

عنوان مقاله: «نگرش صحیح بخاری به حضرت زهرا علیهاالسلام»

نگارش: احد داوری

چکیده

هرکس با بینش و به اندازه فهم خود درباره حضرت زهرا سلام الله علیها سخن گفته و احادیثی که از خاندان وحی رسیده است به اندازه فهم مستمعان بوده است؛ لذا کمتر کسی است که بتواند شخصیت واقعی آن حضرت را بشناسد، از این روی می توان با کمک آیات قرآن گوشه ای از ویژگی ها و فضایل سیده زنان عالم را برشمرد؛ همان شخصیتی که در آیه مباحله تنها نماینده زنان مسلمان بوده و در آیه تطهیر عصمتش اثبات و دوستی اش در آیه مودت اجر رسالت دانسته شده و نهایت ایثار را در سوره انسان به او، همسر و فرزندان منتسب کرده و کوثری معرفی شده که در برابر دشمنان ابتر، افتخار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

شایسته است چنین شخصیتی مورد توجه هر دانشمند مسلمانی قرار گیرد و بی شک علمای اهل سنت نیز از او غافل نخواهند بود؛ اما آنچه حائز اهمیت است بررسی شخصیت آن حضرت از دیدگاه کتاب صحیح بخاری است که به نظر بیشتر علمای اهل سنت، صحیح ترین کتاب پس از قرآن کریم می باشد.

با نگرش به احادیث مذکور در این کتاب می توان برخی ویژگی ها و فضایل حضرت زهرا علیهاالسلام را یافت از جمله آمده است فاطمه پاره تن پیامبر و سرور زنان عالم می باشد، همچنین به ماجرای دفاع حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مکه مقابل مشرکان از پیامبر اشاره شده و برخی توصیه های ویژه پیامبر به یگانه دخترش از جمله اذکار معروف به «تسبیحات حضرت زهرا» نیز مذکور است، علاوه بر آن نحوه برخورد حضرت فاطمه با خلفا پس از رحلت نبی اکرم نیز آمده است. البته در این کتاب برخی وقایع تاریخی از جمله ماجرای اختلاف حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام نیز بیان شده که شایسته بررسی و نقد منصفانه است.

واژگان کلیدی: حضرت فاطمه علیهاالسلام، صحیح بخاری، فضایل، ویژگی ها.

بررسی زندگی شخصیت های مهم چه از لحاظ الگوگیری و چه از لحاظ نحوه تعامل آنها با حوادث و رویدادها حائز اهمیت است؛ بویژه در مورد شخصیت های موثر در دین اسلام انگیزه بررسی برای مسلمانان دوچندان است، مخصوصاً اگر این افراد در قرآن کریم تمجید شده باشند. از طرف دیگر کتب حدیث حاوی اطلاعات ارزشمندی از تعامل صحابه با پیامبر و دیگران می باشد که اغلب به صورت موضوعی و طبقه بندی نشده در لابلای احادیث پراکنده هستند که برای استفاده بهتر باید به صورت موضوعی مرتب شوند.

آنچه در این مجال مورد بررسی قرار می گیرد بررسی تحلیلی- توصیفی یکی از شخصیت های مهم عصر اسلام، یعنی دختر پیامبر اسلام حضرت زهرا علیهاالسلام از نگاه صحیح ترین کتاب اهل سنت یعنی صحیح بخاری است. البته جای دارد قبل از ورود به بحث اشاره کنیم احادیثی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده (و به اعتقاد شیعه همه احادیث معصومان علیهم السلام) به اندازه فهم مستمعان و به اندازه عقولشان بوده است. همانگونه که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند: *انا معاشر الانبياء امرنا ان نتكلم الناس على قدر عقولهم*^۱. و در روایت دیگری به مردم امر شده تا به اندازه معرفت مخاطبان سخن بگویند: *حدثوا الناس بما يعرفون ان يكذب الله ورسوله*^۲. بی شک جایی که انبیاء با مردم به اندازه عقولشان صحبت کنند؛ مردم نیز به اندازه درایت خود از مسائل برداشت و به اندازه مقدار فهم خود از آنها توصیف یا تمجید خواهد کرد.

با این مقدمه می توان گفت: هر کس به اندازه فهم خود درباره حضرت زهرا علیهاالسلام داد سخن سرداده و کمتر کسی را می توان یافت که بتواند شخصیت واقعی آن حضرت را بشناسد، لذا لازم است تا به آیات قرآن مراجعه کرد تا نگاه خدا به حضرت زهرا را دریافت، که خداوند بهتر از هر کسی مخلوق خود را می شناسد؛ همانگونه که علی علیه السلام می فرماید: *اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي*^۳

۲- حضرت زهرا سلام الله علیها در قرآن^۴

حضور حضرت زهرا علیهاالسلام در زمان نزول قرآن در مکه و نحوه رفتار آن حضرت در مدینه باعث شده است تا در برخی آیات به طور مستقیم یا غیر مستقیم آن حضرت ذکر شود که از جمله مهم ترین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. متقی، علی بن حسام الدین (۸۸۸-۹۷۵ق)؛ *کنز العمال*؛ ج ۱۰، ص ۲۴۲؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبّه الله (۵۸۶-۶۵۵ق)؛ *شرح نهج البلاغه*؛ ج ۱۸، ص ۱۸۶ و ج ۱۹، ص ۲۷۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ *الکافی*؛ ج ۱، ص ۲۳ و ج ۸، ص ۲۶۸؛ ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ *الامالی*؛ ص ۴۱۸؛ ابن شعبه، حسن بن علی (قرن ۴)؛ *تحف العقول*، ص ۳۷؛ ابن ابی جمهور، محمد بن علی (م ۹۰۱ق)؛ *عوالی اللئالی*، ج ۲، ص ۱۰۳ و ج ۴، ص ۱۲۵؛ ما گروه پیامبران امر شده ایم تا به اندازه عقل مردم با آنها سخن بگوییم

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ *صحیح البخاری*؛ ج ۱، ص ۴۱؛ با مردم به اندازه شناختشان سخن بگویید؛ آیا دوست دارید که خدا و پیامبرش تکذیب شوند؟

۳. *نهج البلاغه*، حکمت ۱۰۰؛ خدایا تو مرا بهتر از خودم می شناسی.

۴. در مقاله مساله محور نیازی به بررسی چنین موضوعی نیست؛ بلکه فقط باید به ذکر نحوه تبیین شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها در صحیح بخاری بدون هیچ پیش فرض و تلقین مثبت یا منفی از شخصیت فرد پرداخته شود؛ ولی به جهت مقایسه تطبیقی این دو دیدگاه به طور مختصر شخصیت حضرت زهرا در قرآن ذکر می شود، البته از این جایگاه نیز بررسی موضوع حائز اهمیت است که مشخص شود صحیح بخاری در باره چنین شخصیتی چگونه سخن گفته و چه احادیثی انتخاب کرده است. همچنین با این بررسی می توان منشأ برخی اشتباهات بخاری را دریافت.

۱. نماینده تمام زنان مسلمان در ماجرای مباحله؛ بر طبق نقل مفسران در ماجرای مباحله فقط پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام حضور داشتند و این بیانگر این نکته است که حضرت زهرا علیها السلام به عنوان نماینده تمام زنان مسلمان در این ماجرا حضور داشت.^۱ قرآن در این زمینه می فرماید: *فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ*^۲

۲. علم حضرت؛ در تفسیر آیه شریفه *فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ*^۳ منظور از «اهل ذکر» اهل بیت پیامبر علیهم السلام معرفی شده‌اند؛ به عنوان نمونه در کتاب شواهدالتنزیل که در قرن پنجم توسط حسکانی از علمای اهل سنت تالیف شده است می‌خوانیم: [أخبرنا عقيل بن الحسين، قال: أخبرنا علي بن الحسين، قال: حدثنا محمد بن عبيد الله، قال] حدثنا عبدويه بن محمد بشيراز قال: حدثنا سهل بن نوح بن يحيى أبو الحسن الحبابي قال: حدثنا يوسف بن موسى القطان عن وكيع، عن سفیان، عن السدي عن الحارث قال سألت علياً عن هذه الآية: *فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ فَقَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ، نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ، وَ نَحْنُ مَعْدِنُ التَّأْوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم يقول: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهِ مِنْ بَابِهِ*^۴

۳. عصمت و دوری از گناه؛ در روایات شیعی و اهل سنت چنین می‌خوانیم که منظور از اهل بیت در آیه *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً*^۵ منحصرأ پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند؛ از جمله می‌خوانیم: *رواه محمد بن المنكدر عنه: حدثونا عن أبي بكر السبيعي قال: أخبرنا أبو عروبة الحراني قال: حدثنا ابن مضي قال: حدثنا عبد الرحيم بن واقد، عن ايوب بن سيار عن محمد بن المنكدر، عن جابر قال نزلت هذه الآية على النبي صلى الله عليه وآله وسلم وليس في البيت إلا فاطمة والحسن والحسين و علي إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً فقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: اللهم هؤلاء أهلي*^۶

۱. ماجرای مباحله را بنگرید در: مسلم بن حجاج (۲۰۴-۲۶۱ق)؛ *صحيح مسلم*؛ جلد ۷ صفحه ۱۲۰؛ ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۶۴-۲۴۱ق)؛ *المسند*؛ ج ۱، ص ۱۸۵؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۳۲۱-۴۰۵ق)؛ *المستدرک*؛ ج ۳، ص ۱۵۰؛ و سایر منابع را ببینید در مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۲ ص ۵۸۳ و ۵۸۴.

۲. آل عمران: ۶۱؛ هر گاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیا بید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

۳. نحل: ۴۳

۴. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد (قرن ۵)؛ *شواهد التنزیل*، ج ۱ ص ۴۳۲.

۵. احزاب: ۳۳؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

۶. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد (قرن ۵)؛ *شواهد التنزیل*، ج ۲ ص ۲۹.

همچنین می خوانیم: ذهب ابو سعید الخدری و جماعة من التابعین منهم مجاهد و قتاده الى ان اهل البيت علی و فاطمة و الحسن و الحسين علیهم السلام و الدلیل علیهما ما روت عائشة رضی الله عنها، قالت: خرج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ذات غداة و علیه مرط من رجل من شعر اسود فجلس فأنت فاطمة فادخلها فيه ثم جاء علی فادخله فيه ثم جاء حسن فادخله فيه ثم جاء حسین فادخله فيه ثم قال: *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا*!

۴. دوستی حضرت زهرا اجر رسالت؛ در روایتی که در چندین تفسیر اهل سنت آمده است، در تفسیر آیه *قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى*^۲ می خوانیم: حدثنی القاضي أبو بكر الحیري أخبرنا أبو العباس الصبغی حدثنا الحسن بن علی بن زیاد السری حدثنا یحیی بن عبد الحمید الحمانی حدثنا حسین الأشقر، [قال:] حدثنا قیس، عن الأعمش، عن سعید بن جبیر عن ابن عباس قال لما نزلت قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى قالوا: یا رسول الله من هؤلاء الذین أمرنا الله بمودتهم قال: علی و فاطمة و ولدهما^۳

۵. نهایت ایثار و از خودگذشتگی؛ بر طبق نظر مفسران علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و فرزندانشان غذای خود را به یتیم و اسیر و فقیر دادند در حالی که خود روزه نذری گرفته بودند، در مقابل این ایثارگری آنها، سوره انسان نازل شد^۴ از جمله آیات *وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا* *إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا*^۵. جالب اینکه در این سوره از همه نعمت‌های بهشتی سخن به میان آمده به جز حوریان بهشتی که بنا به نظر برخی از مفسران به خاطر نزول سوره درباره حضرت زهرا و همسر و فرزندان علیهم السلام می‌باشد^۶.

۶. خیر کثیر؛ *إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ*^۷؛ در شان نزول سوره کوثر می‌خوانیم: عاص بن وائل که از سران مشرکان بود، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به هنگام خارج شدن از مسجد الحرام ملاقات کرد، و مدتی با حضرت گفتگو نمود، گروهی از سران قریش در مسجد نشسته بودند و این منظره را از دور مشاهده کردند، هنگامی که عاص بن وائل وارد مسجد شد به او گفتند: با که صحبت می‌کردی؟ گفت: با این مرد ابتر! این تعبیر را به خاطر این

۱. میبیدی، ابوالفضل (قرن ۶)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۸، ص: ۴۵

۲. شوری: ۲۳؛ بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیتم].»

۳. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد (قرن ۵)؛ *شواهد التنزیل*، ۱۸۹/۲؛ و ر.ک. میبیدی، ابوالفضل (قرن ۶)، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۹، ص ۲۳؛

قرطبی، محمد بن احمد (م ۶۷۱)؛ *الجامع لاحکام القرآن*؛ ج ۱۶ ص ۲۲؛ زمخشری، محمود (قرن ۶)؛ *الکشاف عن حقائق التنزیل*؛ ج ۴ ص ۲۲۰.

۴. ر.ک. رازی، فخرالدین (قرن ۶)؛ *مفاتیح الغیب*، ج ۱۰ ص ۷۴۶؛ زمخشری، محمود (قرن ۶)؛ *الکشاف عن حقائق التنزیل*؛ ج ۴ ص ۶۷۰؛ سیوطی،

جلال الدین (قرن ۱۰)؛ *الدر المنثور*، ج ۶ ص ۲۹۹؛ ثعلبی، احمد بن ابراهیم (قرن ۵)، *الکشف و البیان*، ج ۱۰، ص ۹۹.

۵. انسان: ۸ و ۹؛ و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! (و می‌گویند): ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!

۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه* ج ۲۵ ص ۳۴۸ به نقل از روح المعانی.

۷. کوثر: ۱؛ ما به تو کوثر [خیر و برکت فراوان] عطا کردیم

انتخاب کرد که عبدالله پسر پیغمبر اکرم ص از دنیا رفته بود، و عرب کسی را که پسر نداشت ابتر (یعنی بلا عقب) می‌نامید، و لذا قریش این نام را بعد از فوت پسر پیغمبر برای حضرت انتخاب کرده بود (سوره فوق نازل شد و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به نعمتهای بسیار و کوثر بشارت داد، و دشمنان او را ابتر خواند)^۱ در برخی از روایات منظور از کوثر به کثرت فرزندان و ذریه که همه آنها از نسل دخترش فاطمه زهرا علیهاالسلام به وجود آمدند، و آن قدر فزونی یافتند که از شماره بیروند، و تا دامنه قیامت یادآور وجود پیغمبر اکرمند تفسیر شده اند.^۲ (قيل هو كثرة النسل و الذرية و قد ظهرت الكثرة في نسله من ولد فاطمة عليهاالسلام حتى لا يحصى عددهم و اتصل إلى يوم القيامة مددهم^۳)

۳- پیشینه بحث

درباره «حضرت زهرا علیهاالسلام در کتب اهل سنت» کتابهای زیادی نوشته شده است که بیشتر آنها به صورت کلی در تمام کتابهای اهل سنت به کاوش پرداخته‌اند و کمتر به یک کتاب خاص مقید بوده‌اند، اینک به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛ بدیهی است که این مقاله فقط به بررسی موضوع «حضرت زهرا علیهاالسلام در صحیح بخاری» پرداخته و از سایر کتب صرفنظر نموده است و این موضوع به شکلی که طرح شده است در این کتابها - تا جایی که نگارنده مطلع است - بیان نشده است.

۱. احراق بیت الزهراء فی مصادر اهل السنة، تالیف سید محمد حسین سجاد، ۱۴۴ صفحه
۲. ترجمه کتاب فوق به نام «آتش به خانه وحی» توسط مولف، ۲۰۰ صفحه
۳. احراق بیت فاطمه فی الکتب المعتمره عند اهل السنة، تالیف حسن غیب غلامی، ۲۵۲ صفحه
۴. ام اییها فی صحاح المسلمین و مسانیدهم، تالیف حسین محمد علی فاضلی، ۳۴۳ صفحه
۵. فاطمه در قرآن از دیدگاه اهل سنت، تالیف ابوالفضل یغمایی، ۱۴۳ صفحه
۶. فاطمه زهرا در روایات عامه، تالیف صادق داوری دولت آبادی، ۸۰ صفحه
۷. فاطمه زهرا سلام الله علیها در کلام اهل سنت، تالیف سید مهدی هاشمی حسینی، ۴۰۰ صفحه
۸. فضائل حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از دیدگاه دیگران، تالیف آیت الله مکارم شیرازی، ۷۷ صفحه
۹. مسند فاطمة الزهراء رضی الله تعالی عنها، تالیف جلال الدین سیوطی، ۱۲۰ صفحه
۱۰. مناقب الزهراء علیهاالسلام المستخرجة من کتب الصحاح، تالیف غلامرضا کسایبی، ۱۲۰ صفحه

۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۷ ص ۳۶۸؛ نیز ر.ک. سورآبادی، عتیق بن محمد (قرن ۵)؛ تفسیر سورآبادی، ج ۴ ص ۲۸۸؛ سیوطی، جلال الدین (قرن ۱۰)؛ الدر المنثور، ج ۶ ص ۴۰۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه ج ۲۷ ص ۳۷۱.

۳. طبرسی، فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ق)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۰ ص ۸۳۶؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. الحلو، محمدعلی؛ ما نزل من القرآن فی شأن فاطمة الزهراء، مسعودی، محمد فاضل؛ اسرار الفاطمیة، وسایر کتابهایی که به برخی از آنها در قسمت «سابقه تاریخی بحث» اشاره شد هاست.

۴- بخاری و کتاب «الجامع الصحيح»

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره جعفری بخاری است که در سال ۱۹۴ هجری در بخارا متولد شد، اجداد وی زرتشتی بودند و اولین کسی که از آنها مسلمان شد «مغیره» جد سوم بخاری بود. پدر محمد زمانی که وی کودک بود درگذشت و ثروت سرشاری برای او به ارث گذاشت، بخاری که از ده سالگی مشغول فراگیری علوم دینی گردیده بود برای اخذ حدیث و تکمیل معلومات خود به مناطقی از خراسان، عراق، حجاز، شام، مصر، نیشابور و... سفر کرد.^۱ وی در این سفرها اساتید بزرگی را درک کرد که از جمله آنها می‌توان به احمد بن حنبل، یحیی بن معین و اسحق بن راهویه اشاره کرد. انگیزه بخاری از تالیف کتاب صحیح - که طی ۱۶ سال از بین ششصد هزار حدیث انتخاب و تدوین کرده است - توصیه استادش اسحق بن راهویه بوده که در جمع شاگردانش گفت: ای کاش کتاب مختصری از احادیث صحیح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جمع آوری می‌کردید؛ (قال أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري كنا عند إسحاق بن راهويه فقال لو جمعتم كتابا مختصرا لصحيح سنة رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم قال فوقع ذلك في قلبي فأخذت في جمع الجامع الصحيح)^۲

وجه تسمیه کتاب بخاری به صحیح آن است که وی شرایطی را برای ناقلین حدیث که موجب اطمینان و وثاقت در نقل آنها باشد مقرر داشت و کتاب خود را از احادیثی که دارای شرایط مزبور بودند انتخاب و تدوین نمود. کتاب بخاری جامع بین روایات اعتقادی، تاریخی، اخلاقی، فقهی و... است، این موضوع علاوه بر بررسی ابواب کتاب از نامگذاری آنها نیز فهمیده می‌شود؛ زیرا بخاری پس از تالیف کتاب خود آن را «الجامع الصحيح المسند المختصر من امور رسول الله و سننه و آیامه» نامگذاری کرد^۳

۵- نظر دانشمندان اهل سنت درباره صحیح بخاری

برخی از دانشمندان اهل سنت درباره صحت روایات صحیح بخاری که یکی از صحاح سته و از لحاظ قدمت زمانی اولین آنها محسوب می‌شود به مبالغه پرداخته و تعصب زیادی از خود نشان داده‌اند، این عده در اظهارات خود روایات این کتب را همسنگ با قرآن قلمداد کرده و یا صحیح‌ترین کتابی دانسته‌اند که پس از قرآن مجید در روی زمین وجود دارد، از جمله محمد بن یوسف شافعی گفته است که اولین کتاب حدیث صحیح بخاری و بعد از آن صحیح مسلم است... و این دو کتاب بعد از قرآن مجید صحیح‌ترین کتابهاست^۴ و نظریات غلو آمیز دیگری نیز وجود دارد.^۵

البته در مقابل، برخی از دانشمندان اهل سنت از جمله ابوزرعه رازی، فاضل نوری، ابن حجر عسقلانی، ابوبکر باقلانی و... در دوره‌های گذشته و نیز برخی از بزرگان معاصر از جمله شیخ محمد عبده، رشید رضا، احمد امین،

۱. نجمی، محمدصادق؛ *أضواء على الصحيحين*، ص ۶۶ و ۶۵

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ق)؛ *فتح الباری*، ص ۵

۳. ذهبی، محمد بن احمد (م ۷۴۸ق)؛ *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۲ ص ۱۰۱

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ق)؛ *فتح الباری*، ص ۸

۵. نجمی، محمدصادق؛ *أضواء على الصحيحين*؛ ص ۷۷

محمد ابوریة این اندیشه را که روایات صحیحین همگی از صحت برخوردارند مورد انتقاد قرار داده‌اند و در نهایت به این نکته باید اشاره کرد که اگرچه بخاری با انگیزه جداسازی روایات صحیح از روایات ضعیف و جعلی به تالیف کتاب اقدام کرده و در نهایت خود نیز معتقد به صحت کار خود بوده؛ اما قطعا در این کار توفیقی حاصل نکرده بلکه کتاب خود را آکنده از روایاتی ساخته است که از نظر متن یا سند مورد نقادی و اعتراض بسیاری از محققان قرار گرفته است.^۱

۶- بررسی احادیث صحیح بخاری

در این بخش که اصلی‌ترین بخش مقاله را شامل می‌شود احادیث صحیح بخاری را که مربوط به حضرت صدیقه کبری علیهاالسلام می‌باشند طبقه بندی کرده و در چند موضوع جداگانه قرار داده‌ایم، همچنین سعی کرده‌ایم در ذیل هر حدیثی به برخی از نکات قابل طرح به طور اختصار اشاره کنیم.

۶-۱- فاطمه پاره تن پیامبر

در کتاب صحیح بخاری حدیث متواتری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در سایر کتاب‌های معتبر شیعه و اهل سنت نیز یافت می‌شود؛ *حَدَّثَنَا أَبُو الْوَلِيدِ حَدَّثَنَا ابْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ عَنْ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ عَنِ الْمِسْوَرِ بْنِ مَخْرَمَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي*^۲ فاطمه پاره تن من است، هر کس او را به خشم آورد، مرا غضبناک کرده است.

در روایت مزبور فضای صدوری^۳ برای روایت ذکر نشده است ولی در سه مورد فضای ایراد سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدین صورت بیان گردیده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منبر فرمود: بنی

۱. معارف، مجید؛ *تاریخ عمومی حدیث*، ۱۴۳؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. غیب غلامی، حسن؛ *البخاری و صحیحه*، نجمی، محمدصادق، *اضواء*

علی الصحیحین، ص ۷۳-۹۹

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ *صحیح البخاری*؛ ج ۴، ص ۲۱۰ و ص ۲۱۹

۳. فضای صدور که در کتاب‌های حدیثی با نام‌های دیگری چون «اسباب صدور حدیث»، «اسباب ورود حدیث» و «اسباب الحدیث» نیز نامبردار است (سلیمانی، داود؛ *اسباب صدور حدیث*؛ مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۶، دفتر اول، پاییز و زمستان ۸۳، ص ۶۷). از جمله شاخه‌های فقه الحدیث می‌باشد (معماری، داود؛ *جایگاه و مبانی نقد متن در علوم حدیث*، مطالعات اسلامی، ش ۳۹ و ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۷۵؛ *البیان و التعریف* آن را از شاخه‌های علوم حدیث می‌داند؛ ابن حمزه حسینی، ابراهیم بن محمد (۱۰۵۴-۱۱۲۰ق)؛ *البیان و التعریف*، ص ۲). که بیانگر علل و زمینه‌هایی است که باعث صدور قول یا فعل و یا تقریر از ناحیه معصوم علیه‌السلام می‌گردد (سلیمانی، داود؛ *اسباب صدور حدیث*؛ مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۶، دفتر اول، پاییز و زمستان ۸۳، ص ۶۵ و ۶۸). به بیان دیگر سبب ورود حدیث یعنی زمینه‌ای که موجب شده‌است تا معصوم علیه‌السلام سخن بگوید و حکمی را بیان و مسأله‌ای را طرح یا رد و انکار کند و یا حتی کاری انجام دهد. توضیح آنکه متن حدیث یک مجموعه بسته و مستقل از هرگونه وابستگی به بیرون نیست، حدیث نیز مانند دیگر اسناد تاریخی بر جا مانده، ممکن است با همه حاشیه‌ها و رشته‌های مرتبط با آن به دست ما نرسیده باشد و این نکته ما را ملزم می‌سازد که در فهم حدیث تنها به لفظ آن از آغاز تا پایان بسنده نکنیم و همه قرینه‌ها حتی عناصر غیر زبانی، اما مرتبط را بشناسیم، این عناصر بیشتر به شکل قرینه‌های مقامی (مانند شرایط اجتماعی و تاریخی، فضای فرهنگی و علمی، حالت‌ها و وضعیت مقام گفتگو، شخصیت مخاطب و پرسش‌های نهان راوی) هستند که در علم اصول از آنها به «مناسبت میان حکم و موضوع» تعبیر می‌شود؛ یعنی آنچه در تناسب با سوال، حدود و شرایط موضوع، نیازهای فرهنگی و اجتماعی، انگیزه و عامل پاسخ شده‌است (مسعودی، عبد الهادی؛ *روش فهم حدیث*، ص ۱۲۸).

هشام بن مغیره از من اجازه گرفتند تا دخترشان را به ازدواج علی بن ابیطالب درآورند که به آنها اجازه ندادم، و اجازه ندادم و اجازه ندادم؛ مگر اینکه علی بن ابیطالب بخواهد دخترم فاطمه را طلاق دهد و با دختر آنها ازدواج کند زیرا فاطمه پاره تن من است، هرچیزی که او را ناآرام کند مرا ناآرام می‌کند هرچه او را آزار دهد مرا می‌آزارد^۱.

حدیث دیگر توضیح دیگری دارد با این بیان: علی علیه السلام از دختر ابوجهل خواستگاری کرد و فاطمه علیها السلام این ماجرا را شنید لذا نزد پیامبر آمد و عرض کرد: قوم تو می‌پندارند که تو به خاطر دخترانت خشمگین نمی‌شوی و این علی می‌خواهد دختر ابوجهل را به نکاح خود درآورد؛ با شنیدن این سخن پیامبر برخاست و ضمن خطاب‌های فرمود: فاطمه پاره تن من است و من خوش نمی‌دارم که به او بدی برسد، به خدا قسم دختر پیامبر خدا و دختر دشمن خدا نزد یک مرد جمع نمی‌شوند. بدین علت علی علیه السلام خواستگاری را ترک کرد^۲.

بحث و بررسی درباره این حدیث فرصت دیگری می‌طلبد ولی حداقل می‌توان چند سوال مطرح کرد: چگونه علی علیه السلام به خواستگاری دختر دشمن خدا می‌رود؟ آیا علی علیه السلام به اندازه بنی‌مغیره ادب و احترام نداشت که آنها برای این کار از پیامبر اجازه گرفتند و او اجازه نگرفت؟^۳

سخن را در این مورد با حدیثی از امالی صدوق به پایان می‌بریم؛ علقمه از امام صادق علیه السلام سوال کرد: یابن رسول الله! مردم به ما گناهان بزرگی نسبت می‌دهند و ما از این مساله دلتنگ هستیم؟! امام صادق علیه السلام در جواب فرمود:

ای علقمه! پسند مردم را نمی‌توان به دست آورد و زبانشان را نمی‌توان حفظ کرد، شما چطور می‌خواهید از آنچه پیامبران خدا سالم نمانند؟ سالم بمانید آیا یوسف را به زنا متهم نکردند؟... پیامبر ما را متهم نکردند که شاعر و دیوانه است؟ متهمش نکردند که عاشق زن زید بن حارثه شده و کوشیده تا او را به دست آورد؟... و آنچه در باره اوصیاء گفته شده بیش از این است، آیا سید اوصیاء علی علیه السلام را متهم نکردند که دنیاجو و سلطنت طلب است و آشوب را بر راحتی ترجیح می‌دهد و خون مردم را می‌ریزد؟ واگر مرد خوبی بود خالد بن ولید مامور نمی‌شد گردنش را بزند؟ او را متهم نکردند که می‌خواست دختر ابوجهل را بر سر فاطمه بگیرد و رسول خدا در منبر از او بر مسلمانان شکایت کرد و فرمود: علی می‌خواهد دختر دشمن خدا را بر سر دختر پیغمبر خدا به زنی بگیرد؟...^۴

۱. حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ عَنْ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ عَنِ الْمِسْوَرِ بْنِ مَخْرَمَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ وَهُوَ عَلَى الْمُنْبَرِ إِنَّ بَنِي هِشَامِ بْنِ الْمُغِيرَةِ اسْتَأْذَنُوا فِي أَنْ يُنْكَحُوا ابْنَتَهُمْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَلَا آذَنَ ثُمَّ لَا آذَنَ ثُمَّ لَا آذَنَ ثُمَّ لَا آذَنَ إِلَّا أَنْ يُرِيدَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يُطَلِّقَ ابْنَتِي وَيُنْكَحَ ابْنَتَهُمْ فَإِنَّمَا هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيدُونِي مَا أَرَابَهَا وَيُؤْذِنُونِي مَا آذَاهَا هَكَذَا. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۶، ص ۱۵۸.

۲. حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حُسَيْنٍ أَنَّ الْمِسْوَرَ بْنَ مَخْرَمَةَ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا خَطَبَ بِنْتَ أَبِي جَهْلٍ فَسَمِعَتْ بِذَلِكَ فَاطِمَةَ فَاتَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ يَزُغُمُ قَوْمُكَ أَنْتَ لَا تَغْضَبُ لِبَنَاتِكَ وَهَذَا عَلِيُّ نَاكِحٌ بِنْتَ أَبِي جَهْلٍ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمِعَتْهُ حِينَ تَشْهَدُ يَقُولُ أَمَا بَعْدُ أَنْكَحْتُ أَبَا الْعَاصِ بْنِ الرَّبِيعِ فَحَدَّثَنِي وَصَدَّقَنِي وَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَسُوءَهَا وَاللَّهُ لَا يَجْتَمِعُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِنْتُ عَدُوِّ اللَّهِ عِنْدَ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَتَرَكَ عَلِيُّ الْخُطْبَةَ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۲۱۲.

۳. برای نمونه علی حسینی میلانی کتاب رساله فی حدیث خطبه علی بنت جهل را در این زمینه نوشته است

۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ الامالی؛ ص ۱۶۵.

۶-۲- عزیزترین کس پیامبر

زنی از قبيله بنی مخزوم مرتکب دزدی شده بود و قریش مقام این زن را بزرگ می‌داشتند لذا دنبال مردی می‌گشتند تا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفته و شفاعت کند تا آن حضرت حد را بر آن زن جاری نسازد؛ سرانجام اسامه بن زید را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستادند پس از اینکه اسامه درخواست خود را مطرح کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا درباره حدی از حدود الهی شفاعت می‌کنی؟ سپس برخاست و خطبه‌ای خواند و در ضمن آن چنین فرمود: کسانی که قبل از شما بودند و وقتی فرد شریفی از آنها مرتکب سرقت می‌شد حد را بر او جاری نمی‌ساختند ولی زمانی که فرد ضعیفی سرقت می‌کرد حد را بر او جاری می‌ساختند هلاک شدند! و قسم به خدا اگر فاطمه دختر محمد دزدی می‌کرد دستش را قطع می‌کردم^۱.

اگرچه در این حدیث اشاره صریحی به فضیلت حضرت زهرا علیها السلام نشده است ولی مقتضای کلام در چنین شرایطی آن است که گوینده عزیزترین فرد را مثال بزند و این فرد کسی نیست جز دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

۶-۳- حضرت فاطمه علیها السلام در مقابل مشرکان

عبدالله بن مسعود روایت کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کنار کعبه نماز می‌خواند و ابوجهل و یارانش نشستند بودند که یکی از آنها گفت: چه کسی شکمدان شتر را می‌آورد و موقع سجده در پشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار می‌دهد؟ بدبخت‌ترین فرد آن جمع این کار را انجام داد و موقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سجده بود شکمدان شتر را در پشت حضرت قرار داد (عبدالله می‌گوید: من نظاره‌گر این کار بودم ولی کاری نمی‌توانستم انجام دهم) مشرکان شروع به خنده کردند و حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سجده بود تا اینکه فاطمه علیها السلام آمد و آن شکمدان را از پشت حضرت انداخت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرش را بالا آورد و سه مرتبه فرمود: پروردگارا! از قریش به تو شکایت می‌برم^۲.

البته دفاع حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منحصر به مکه نبود، بلکه در میدان نبرد نیز به عنوان پرستار یار و یاور پیامبر بود؛ چنانچه می‌خوانیم: در جنگ احد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱. حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ حَدَّثَنَا لَيْثٌ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ قُرَيْشًا أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَرْأَةِ الْمُخْرُومِيَّةِ الَّتِي سَرَقَتْ فَقَالُوا وَمَنْ يُكَلِّمُ فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا وَمَنْ يُجْتَرِي عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ حِبُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ وَإِيمَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۱۵۰؛ و نیز ر.ک. همان، ص ۲۱۳ و ج ۵، ص ۹۶؛ ج ۸، ص ۱۶.

۲. حَدَّثَنَا عَبْدَانُ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ شُعْبَةَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَاجِدًا قَالَ ح وَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عُمَانَ قَالَ حَدَّثَنَا شُرَيْحُ بْنُ مُسْلِمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ يُوسُفَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ مَيْمُونٍ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ مَسْعُودٍ حَدَّثَهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي عِنْدَ الْبَيْتِ وَأَبُو جَهْلٍ وَأَصْحَابُ لَهُ جُلُوسٌ إِذْ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَيُّكُمْ يَجِيءُ بِسَلَى جُزُورِ بَنِي فَلَانَ فَيَضَعُهُ عَلَى ظَهْرِ مُحَمَّدٍ إِذَا سَجَدَ فَانْبَعَثَ أَشَقَى الْقَوْمِ فَجَاءَ بِهِ فَنَظَرَ حَتَّى سَجَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَضَعَهُ عَلَى ظَهْرِهِ بَيْنَ كَتِفَيْهِ وَأَنَا أَنْظُرُ لَا أَغْنِي شَيْئًا لَوْ كَانَ لِي مَنَعَةٌ قَالَ فَجَعَلُوا يَضْحَكُونَ وَيُحِيلُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَاجِدٌ لَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ حَتَّى جَاءَتْهُ فَاطِمَةُ فَطَرَحَتْ عَنْ ظَهْرِهَا فَرَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ بِقُرَيْشٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۱، ص ۶۵، نیز ر.ک. همان، ص ۱۳۱ و ج ۳، ص ۲۳۴؛ ج ۴، ص ۱۷ و ۲۳۹.

مجروح شده بود، و علی علیه السلام با سپر خود آب می‌آورد و فاطمه علیها السلام از صورت مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خون‌ها را می‌شست، چون خون بند نمی‌آمد، قطعه حصیری را سوزاند و در محل زخم گذاشت تا خون بند آمد.^۱

رابطه دختر و پدر به اینجا ختم نمی‌شد بلکه گاهی مواقع فاطمه علیها السلام در کارهای شخصی نظیر غسل کردن نیز به پیامبر کمک می‌کرد.^۲ علاوه بر این نجوای فاطمه علیها السلام بعد از رحلت پیامبر بیانگر این ارتباط خاص است.^۳

توجه به این نکته لازم است که در احادیث مربوط به کمک حضرت صدیقه به پیامبر اسلام در مکه می‌توان چنین نتیجه گرفت که حضرت زهرا در چنین موقعیتی به اندازه‌ای بزرگ بود که بتواند چنین کاری را انجام دهد و شکمدان شتر را از دوش حضرت بردارد و طبق برخی از روایات^۴ برای عاملان این کار نفرین کند؛ لذا می‌توان گفت حضرت فاطمه علیها السلام قبل از بعثت متولد شده اند (در نتیجه هنگام شهادت ۲۸ ساله بودند نه ۱۸ ساله). مویذ دیگر این مطلب روایاتی است که در ذیل‌ایه شریفه «وَأَنْدَرُ عَشِيرَتِكَ الْأَقْرَبِينَ»^۵ وارد شده است که پیامبر می‌فرماید: ای جماعت قریش، (یا عبارتی شبیه به آن) نفس‌هایتان را بخريد (به حساب نفس هایتان رسیدگی کنید) من چیزی را نزد الله از شما بی‌نیاز نمی‌کنم، وای صفیه عمه رسول الله من چیزی را نزد الله از تو بی‌نیاز نمی‌کنم، وای عباس فرزند عبدالمطلب من چیزی را نزد الله از تو بی‌نیاز نمی‌کنم، وای فاطمه دختر محمد از مال من هر چه خواهی طلب کن من چیزی را نزد الله از تو بی‌نیاز نخواهم کرد.^۶

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ يَعْنِي ابْنَ سَلَامٍ قَالَ أَخْبَرَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي حَازِمٍ سَمِعَ سَهْلَ بْنَ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ وَسَأَلَهُ النَّاسُ وَمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ أَحَدٌ بِأَيِّ شَيْءٍ دُوِيَ جُرْحُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا بَقِيَ أَحَدٌ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي كَانَ عَلِيٌّ يَجِيءُ بِرَسْمِهِ فِيهِ مَاءٌ وَفَاطِمَةُ تَغْسِلُ عَنْ وَجْهِهِ الدَّمَ فَأَخَذَ حَصِيرًا فَأَخْرَقَ فَحَشِيَ بِهِ جُرْحَهُ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۱، ص ۶۶؛ و ر.ک. همان؛ ج ۳، ص ۲۲۹ و ۲۲۷؛ ج ۴، ص ۲۶؛ ج ۵، ص ۳۸؛ ج ۷، ص ۱۹.

۲. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ بْنِ قَعْنَبٍ عَنْ مَالِكٍ عَنْ أَبِي النَّضْرِ مَوْلَى عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ أَبَا مَرْثَةَ مَوْلَى أُمِّ هَانِيَةَ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ سَمِعَ أُمَّ هَانِيَةَ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ تَقُولُ ذَهَبْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامَ الْفَتْحِ فَوَجَدْتُهُ يَغْتَسِلُ وَفَاطِمَةُ تَسْتُرُهُ فَقَالَ مَنْ هَذِهِ فَقُلْتُ أَنَا أُمُّ هَانِيَةَ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۱، ص ۷۴ نیز ر.ک. همان ص ۹۴؛ ج ۴، ص ۶۷ و ج ۷، ص ۱۱۰.

۳. حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْبٍ حَدَّثَنَا حَمَّادٌ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ لَمَّا ثَقُلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَعَلَ يَتَغَشَّاهُ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَكَرَبَ أَبَاهُ فَقَالَ لَهَا لَيْسَ عَلَيَّ كَرْبٌ بَعْدَ الْيَوْمِ فَلَمَّا مَاتَ قَالَتْ يَا أَبَتَاهُ أَجَابَ رَبِّي دَعَاةً يَا أَبَتَاهُ مِنْ جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ مَا وَاةً يَا أَبَتَاهُ إِلَى جِبْرِيلَ نَنْعَاةً فَلَمَّا دُفِنَ قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَا أَنَسُ أَطَابَتْ أَنْفُسُكُمْ أَنْ تَحْثُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التُّرَابَ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۵، ص ۱۴۴.

۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۷۱ و ۲۳۹.

۵. شعرا: ۲۱۴

۶. يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ أَوْ كَلِمَةً نَحْوَهَا اشْتَرَوْا أَنْفُسَكُمْ لَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ لَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا يَا عَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا أُغْنِي عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَيَا صَوْبِيَةَ عَمَّةَ رَسُولِ اللَّهِ لَا أُغْنِي عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَيَا فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَلْبِي نِي مَا شِئْتَ مِنْ مَالِي لَا أُغْنِي عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۳، ص ۱۹۰ نیز ر.ک. همان ج ۴، ص ۱۶۱؛ ج ۶، ص ۱۷.

۶-۴- مهم ترین توصیه‌های پدر به دختر

حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که روزی فاطمه علیها السلام پیش پیامبر رفت و از آن حضرت درخواست خادم نمود، پیامبر فرمود: آیا به شما خیر ندهم از آنچه برای شما بهتر است؟ هر شب قبل از خواب ۳۳ مرتبه خدا را تسبیح (سبحان الله) و ۳۳ مرتبه تحمید (الحمد لله) و ۳۴ مرتبه تکبیر (الله اکبر) بگویند.^۱

این اذکار که به تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام معروف است در روایت‌های دیگری نیز آمده است، البته ترتیب اذکار با هم اختلاف دارد و اختلاف اساسی در نحوه درخواست خادم است که بنابر برخی از این روایت‌ها حضرت فاطمه علیها السلام وقتی پیش پیامبر رفت او را در خانه نیافت و درخواست خود را به عایشه گفت، پیامبر وقتی ماجرا را شنید به خانه فاطمه آمد، درحالیکه فاطمه و علی علیهما السلام در بستر بودند، پیامبر به آنها اجازه برخاستن نداد و تسبیحات مذکور را به آنها آموخت.^۲ در روایت دیگری حضرت زهرا علیها السلام از خود پیامبر درخواست خادم نمود که پیامبر قبول نکرد، لذا برای شفاعت پیش عایشه رفت و عایشه همراه پیامبر به منزل علی علیه السلام آمدند، در حالیکه علی و فاطمه در بستر بودند و ...^۳

البته بخاری در باره این تناقض‌ها پاسخی نداد ه است که آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دفعه اول به فاطمه پاسخ داد یا پس از شفاعت عایشه؟ به خانه فاطمه آمد یا در منزل خود به تعلیم اذکار مذکور پرداخت؟ تنها بود یا همراه عایشه؟ و مهم تر از همه اینکه دلیل این تناقض‌ها چیست؟ و این تناقض‌ها نشانه چیستند؟ روایت‌هایی که نشان از عدم توجه پیامبر به فاطمه زهرا دارد با روایت‌هایی که بیانگر فضیلت حضرت زهرا علیها السلام و احترام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان است چگونه سازگار است؟ راستی چرا تسبیحات حضرت در چندین ذکر شده ولی در هیچ یک اشاره به نام تسبیح نشده است با اینکه در سایر کتب معتبر شیعی و سنی به نام تسبیحات اشاره شده است؟

درباره توصیه‌های پدر به دختر روایت دیگری نیز آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه فاطمه علیها السلام آمد و به آنجا داخل نشد، وقتی علی علیه السلام به خانه آمد، فاطمه این ماجرا را به وی

۱. حَدَّثَنَا الْحُمَيْدِيُّ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَزِيدَ سَمِعَ مُجَاهِدًا سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي لَيْلَى يُحَدِّثُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْأَلُهُ خَادِمًا فَقَالَ أَلَا أُخْبِرُكَ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنْهُ تُسَبِّحِينَ اللَّهَ عِنْدَ مَنَامِكَ ثَلَاثًا وَتُكَبِّرِينَ اللَّهَ أَرْبَعًا وَتَلَاثِينَ وَتَحْمَدِينَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَتَلَاثِينَ وَتُكَبِّرِينَ اللَّهَ أَرْبَعًا وَتَلَاثِينَ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۶، ص ۱۹۳

۲. حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَرْبٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ الْحَكَمِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ عَلِيٍّ أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ شَكَتْ مَا تَلَقَى فِي يَدِهَا مِنَ الرَّحَى فَآتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْأَلُهُ خَادِمًا فَلَمْ تَجِدْهُ فَذَكَرَتْ ذَلِكَ لِعَائِشَةَ فَلَمَّا جَاءَ أُخْبِرَتْهُ قَالَتْ فَجَاءَنَا وَقَدْ أَخَذْنَا مَضَاجِعَنَا فَذَهَبَتْ أَقْوَمُ فَقَالَ مَكَانَكَ فَجَلَسَ بَيْنَنَا حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَ قَدَمَيْهِ عَلَيَّ صَدْرِي فَقَالَ أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَيَّ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ خَادِمٍ إِذَا أُوتِئْتُمْ إِلَى فِرَاشِكُمْ أَوْ أَخَذْتُمْ مَضَاجِعَكُمْ فَكَبِّرُوا ثَلَاثًا وَتَلَاثِينَ وَسَبَّحُوا ثَلَاثًا وَتَلَاثِينَ وَاحْمَدُوا ثَلَاثًا وَتَلَاثِينَ فَهَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ خَادِمٍ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۷، ص ۱۴۸ و ر.ک. همان، ج ۴، ص ۲۰۸ و ج ۶، ص ۱۹۲.

۳. حَدَّثَنَا بَدَلُ بْنُ الْمُحَبَّرِ أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ قَالَ أَخْبَرَنِي الْحَكَمُ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي لَيْلَى حَدَّثَنَا عَلِيٌّ أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ اشْتَكَتْ مَا تَلَقَى مِنَ الرَّحَى مِمَّا تَطْحَنُ فَبَلَغَهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِسَبِيٍّ فَأَتَتْهُ تَسْأَلُهُ خَادِمًا فَلَمْ تَوَافِقْهُ فَذَكَرَتْ لِعَائِشَةَ فَجَاءَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَتْ ذَلِكَ عَائِشَةُ لَهُ فَآتَانَا وَقَدْ دَخَلْنَا مَضَاجِعَنَا فَذَهَبْنَا لِنَقُومَ فَقَالَ عَلَيَّ مَكَانِكُمْ حَتَّى وَجَدْتُ بَرْدَ قَدَمَيْهِ عَلَيَّ صَدْرِي فَقَالَ أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَيَّ خَيْرٌ مِمَّا سَأَلْتُمَا إِذَا أَخَذْتُمْ مَضَاجِعَكُمْ فَكَبِّرُوا ثَلَاثًا وَتَلَاثِينَ وَاحْمَدُوا ثَلَاثًا وَتَلَاثِينَ وَسَبَّحُوا ثَلَاثًا وَتَلَاثِينَ فَإِنَّ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمَا. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۴۸.

گفت، علی علیه السلام نزد پیامبر آمد و علت ماجرا را سوال نمود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من بر درب خانه فاطمه پرده‌ای آراسته دیدم، من را چه به دنیا؟ علی علیه السلام این مساله را به فاطمه گفت، و فاطمه گفت: هر چه در باره آن می‌خواهی امر کن! علی علیه السلام پیشنهاد داد که به خانه فلانی بفرست که به آن نیاز دارد.^۱

۶-۵- فاطمه علیهاالسلام سرور زنان عالم

عایشه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیماری که به رحلت حضرت منجر شد، فاطمه علیهاالسلام را فراخواند و با وی سرّی سخن گفت، فاطمه علیهاالسلام از این سخن ناراحت شد و گریست، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای بار دوم فاطمه علیهاالسلام را فراخواند و با او نجوا کرد که این بار فاطمه علیهاالسلام خندید. عایشه می‌گوید: از فاطمه علیهاالسلام از علت گریه و خنده‌اش پرسیدم که در جواب چنین فرمود: *پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مرتبه اول به من خبر داد که در این بیماری به دیدار خدا خواهد رفت و من گریستم ولی بار دوم به من فرمود که من اولین فردی هستم که به او ملحق می‌شوم لذا خندیدم*^۲.

در برخی از روایت‌ها همین ماجرا ذکر شده است ولی علت گریه حضرت این مساله عنوان شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رحلت خواهد کرد و حضرت فاطمه علیهاالسلام اولین فردی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ملحق می‌شود و علت خنده حضرت نیز این بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دخترش فرمود: آیا راضی نیستی که سرور زنان بهشتی یا سرور زنان باایمان باشی (أَمَا تَرْضِينَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ)^۳؟

باز اشاره کنیم که اینجا مجال بررسی این حدیث با این بیان نیست ولی باید سوال کرد که: آیا فاطمه علیهاالسلام از مرگ می‌ترسید که گریست؟ آیا دلیل سرور بودن مرگ پدر بود؟ این که فضیلت محسوب نمی‌شود! یا

۱. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ حَدَّثَنَا ابْنُ فَضَيْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْتَ فَاطِمَةَ فَلَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهَا وَجَاءَ عَلِيٌّ فَذَكَرَتْ لَهُ ذَلِكَ فَذَكَرَهُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنِّي رَأَيْتُ عَلِيَّ بَابَهَا سِتْرًا مَوْشِيًّا فَقَالَ مَا لِي وَلِدُنِّي فَآتَاهَا عَلِيٌّ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهَا فَقَالَتْ لِيَأْمُرَنِي فِيهِ بِمَا شَاءَ قَالَ تَرْسِلُ بِهِ إِلَيَّ فُلَانٌ أَهْلَ بَيْتٍ بِهِمْ حَاجَةٌ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۳، ص ۱۴۰.

۲. حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ قَزَعَةَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ دَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ ابْنَتَهُ فِي شَكْوَاهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهَا فَسَارَهَا بِشْيءٍ فَبَكَتْ ثُمَّ دَعَاهَا فَسَارَهَا فَضَحِكَتْ قَالَتْ فَسَأَلْتُهَا عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ سَارَنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يُقْبِضُ فِي وَجَعِهِ الَّذِي تُوَفِّي فِيهِ فَبَكَيتُ ثُمَّ سَارَنِي فَأَخْبَرَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِهِ أُتْبِعُهُ فَضَحِكْتُ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۲۱۰؛ نیز ر.ک. همان، ص ۱۸۳ و ج ۵، ص ۱۳۸.

۳. حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيمٍ حَدَّثَنَا زَكَرِيَاءُ عَنْ فِرَاسٍ عَنْ عَامِرِ الشَّعْبِيِّ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ أَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ تَمْشِي كَأَنَّ مِشْيَتَهَا مِشْيَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّجِبًا بَابَتِي ثُمَّ اجْلَسَتْهَا عَنْ يَمِينِهِ أَوْ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ أَسْرَأَ إِلَيْهَا حَدِيثًا فَبَكَتْ فَقُلْتُ لَهَا لِمَ تَبْكِينَ ثُمَّ أَسْرَأَ إِلَيْهَا حَدِيثًا فَضَحِكَتْ فَقُلْتُ مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ فَرَحًا أَقْرَبَ مِنْ حُزْنٍ فَسَأَلْتُهَا عَمَّا قَالَ فَقَالَتْ مَا كُنْتُ لِأَفْشَى سِرٍّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلْتُهَا فَقَالَتْ أَسْرَأَ إِلَيَّ إِنْ جَبْرِيَلُ كَانَ يُعَارِضُنِي الْقُرْآنَ كُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً وَإِنَّهُ عَارِضُنِي الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَتَأْ أَرَاهُ إِلَّا حَضَرَ أَجْلِي وَإِنَّكَ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِي لِحَاقًا بِي فَبَكَيتُ فَقَالَ أَمَا تَرْضِينَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَوْ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ فَضَحِكْتُ لِذَلِكَ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۱۸۳ و همان، ج ۷، ص ۱۴۱.

به این دلیل است که اولین فردی می‌باشد که به پیامبر ملحق می‌گردد؟ آیا نباید علت قانع کننده‌ای برای خنده و گریه وجود داشته باشد؟! به نظر چنین می‌رسد که مطالبی در اینجا وجود داشته که بخاری به آنها عمداً یا سهواً اشاره نکرده است!!!

۶-۶- دعوی علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام!

سهل بن سعد می‌گوید بهترین کنیه در نظر علی علیه السلام «ابوتراب» بود و آن حضرت زمانی که با این کنیه خوانده می‌شد خوشحال می‌گردید، زیرا «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم» او را ابوتراب نام نهاده بود؛ روزی بر فاطمه خشمگین شد و از نزد وی خارج شد و به مسجد رفت و به دیوار مسجد تکیه داد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دنبال او می‌گشت که به ایشان گفتند علی به دیوار مسجد تکیه داده است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد او آمد در حالی که پشت حضرت خاکی شده بود و خاک را از پشت او پاک می‌کرد و می‌گفت: بنشین یا «ابوتراب»!

حال باید پرسید فرد باید به دلیل قانع کننده‌ای از یک مساله خاطره خوب داشته باشد نه به خاطر دعوی با دختر پیغمبری که فرموده است: *فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِّنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي*^۲، لذا باید گفت که در ذکر فضای صدور روایت تغییری داده شده است چرا که در روایت دیگر اینگونه آمده است که فاطمه بر علی علیه السلام وارد شد سپس به مسجد رفت و...^۳ که خبری از دعوا نیست.

روایت مشابهی نیز در صحیح بخاری ذکر شده است (البته در این روایت برخلاف روش همیشگی بخاری عمل شده و در مقابل اسم راوی روایت یعنی حسین بن علی از عبارت «علیهما السلام» استفاده شده است) امام سجاد علیه السلام از امام حسین از امام علی علیه السلام روایت نقل کرده است که علی علیه السلام چنین می‌گوید: شبی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درب خانه من و فاطمه را زد و فرمود: آیا نماز نمی‌خوانید؟ من در پاسخ گفتم: ای رسول خدا! اختیار ما در دست خداست، اگر بخواهد ما را از خواب بیدار می‌کند (و اگر نخواهد بیدار نمی‌شویم)!!! زمانی که این سخن را گفتم پیامبر منصرف شد و دیگر به سوی ما برنگشت سپس شنیدم که برگشته و دست بر ران خود می‌زند و این آیه را تلاوت می‌کند «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»^۴!

۱. حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ مَخْلَدٍ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَازِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ إِنْ كَانَتْ أَحَبَّ أَسْمَاءَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ إِلَيْهِ لَأَبُو تَرَابٍ وَإِنْ كَانَ يُفْرَحُ أَنْ يُدْعَى بِهَا وَمَا سَمَاءُ أَبُو تَرَابٍ إِلَّا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَاضِبٌ يَوْمًا فَاطِمَةَ فَخَرَجَ فَاضْطَجَعَ إِلَى الْجِدَارِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَجَاءَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَبَعُهُ فَقَالَ هُوَذَا مُضْطَجِعٌ فِي الْجِدَارِ فَجَاءَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَمْتَلَأَ ظَهْرَهُ تُرَابًا فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمَسُّحُ التُّرَابَ عَنْ ظَهْرِهِ وَيَقُولُ اجْلِسْ يَا أَبَا تَرَابٍ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۷، ص ۱۱۹ نیز رک. همان، ص ۱۴۰، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۲۱۰ و ۲۱۹.

۳. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ أَبِي حَازِمٍ عَنْ أَبِيهِ أَنْ رَجُلًا جَاءَ إِلَيَّ سَهْلُ بْنُ سَعْدٍ فَقَالَ هَذَا فُلَانٌ لَأَمِيرِ الْمَدِينَةِ يَدْعُو عَلِيًّا عِنْدَ الْمَنْبَرِ قَالَ فَيَقُولُ مَاذَا قَالَ يَقُولُ لَهُ أَبُو تَرَابٍ فَضَحِكَ قَالَ وَاللَّهِ مَا سَمَاءُ إِلَّا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَا كَانَ لَهُ اسْمٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْهُ فَاسْتَطَعْتُ الْحَدِيثَ سَهْلًا وَقُلْتُ يَا أَبَا عَبَّاسٍ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ دَخَلَ عَلِيٌّ عَلَيَّ فَاطِمَةَ ثُمَّ خَرَجَ فَاضْطَجَعَ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيْنَ ابْنُ أَيْنُ عَمَّكَ قَالَتْ فِي الْمَسْجِدِ فَخَرَجَ إِلَيْهِ فَوَجَدَ رِدَاءَهُ قَدْ سَقَطَ عَنْ ظَهْرِهِ وَخَلَصَ التُّرَابُ إِلَيَّ فَظَهَرَهُ فَجَعَلَ يَمَسُّحُ التُّرَابَ عَنْ ظَهْرِهِ فَيَقُولُ اجْلِسْ يَا أَبَا تَرَابٍ مَرَّتَيْنِ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ صحیح البخاری؛ ج ۴، ص ۲۰۷.

بر طبق این روایت علی و فاطمه به نماز بی اعتنا معرفی شده اند، و به فرمایش پیامبر عمل نمی‌کنند؛ و به مذهب جبر روی آورده اند! () ای کاش این سخنان علی علیه السلام را با سخنانی مقایسه شود که نهایت محبت بین علی و فاطمه را می‌رساند، نمونه ای از آن به گفته برخی از شارحان و نقل پاره ای مورخان، زمانی گفته شده که علی علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام را به خاک سپرد و آثار قبر همسرش را محو کرد، آنگاه که دست خود را تکان داد تا خاک قبر از دست بیفشاند، اشک بر گونه هایش جاری شد؛ در این حال روی خویش را به سمت قبر مطهر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برگرداند و همچون کسی که با آن حضرت راز گوید، از ستمکاری امت شکوه کرده چنین فرمودند^۲:

«درود بر تو ای فرستاده خدا از من و دختری که در کنارت آرمیده و زودتر از دیگران به تو رسیده. ای فرستاده خدا! مرگِ دخترِ گرامی‌ات عنانِ شکیبایی از کفم گسلانده، و توان خویش‌تنداری‌ام نمانده. اما برای من که سختی جدایی تو را دیده و سنگینی مصیبتت را کشیده‌ام جای تعزیت است... امانت بازگردید، و گروگان به صاحبش رسید. کار همیشگی‌ام اندوه است و تیمارخواری، و شب‌هایم شب زنده‌داری. تا آنکه خدا خانه‌ای را که تو در آن به سر می‌بری برایم گزیند و این غم که در دل دارم فرو نشیند. زودا دختری تو را خبر دهد که چسان امتت فراهم گردیدند، و بر او ستم ورزیدند. از او بپرس چنان که شاید و خبر گیر از آنچه باید، که دیری نگذشته و یاد تو فراموش نگشته درود بر شما، درود آنکه بدرود گوید نه که رنجیده است و راه دوری جوید اگر بازگردم نه از خسته جانی است، و اگر بمانم نه از بدگمانی است- بلکه امیدوارم- بدانچه خدا شکیبایان را وعده داده - و پاداشی که بر آنان نهاده-»^۳

۶-۷- حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

فاطمه علیها السلام و عباس بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد ابوبکر آمدند و میراثشان را از پیامبر می‌خواستند و آنها در آن موقع زمینشان را در فدک و سهمشان را از خیبر مطالبه می‌کردند؛ ابوبکر در جواب به آنها گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که گفت: *ما چیزی به ارث نمی‌گذاریم و آنچه از ما بماند صدقه است و متعلق به عموم مسلمین می‌باشد و خاندان محمد فقط به اندازه سهم خود می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، و ادامه داد: به خدا سوگند کاری را انجام نمی‌دهم که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم*

۱. حَدَّثَنَا أَبُو الْيَمَانِ أَخْبَرَنَا شُعَيْبٌ عَنْ الزُّهْرِيِّ ح وَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ حَدَّثَنِي أَخِي عَبْدُ الْحَمِيدِ عَنْ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَتِيقٍ عَنِ ابْنِ شِهَابٍ عَنْ عَلِيٍّ ابْنِ حُسَيْنٍ أَنَّ حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَخْبَرَهُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخْبَرَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَرَقَهُ وَقَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً فَقَالَ لَهُمْ أَلَا تَصَلُّونَ قَالَ عَلِيٌّ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّمَا أَنْفُسُنَا بِيَدِ اللَّهِ فَإِذَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَنَا بَعَثْنَا فَأَنْصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قُلْتُ ذَلِكَ وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيَّ شَيْئًا ثُمَّ سَمِعْتُهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ يَضْرِبُ فِخْذَهُ وَيَقُولُ (وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا). بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ *صحیح البخاری*؛ ج ۸، ص ۱۹۰ و ر.ک. همان، ص ۱۵۵ و ج ۲، ص ۴۲ و ج ۴، ص ۲۱۳.

۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (م ۵۰۸ق)، *روضه الواعظین*، ص ۱۵۲؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۴۸۸-۵۸۸ق)؛ *مناقب*، ج ۳، ص ۱۳۹؛ ابن ابی الحدید (۵۸۶-۶۵۵ق)، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۰، ص ۲۵۶؛ امینی، عبدالحسین (۱۲۸۱-۱۳۴۹ش)؛ *الغدیر*، ج ۹، ص ۳۷۳؛ مفید، محمد بن محمد (۳۳۶-۴۱۳ق)، *الامالی*، ص ۲۸۱؛ طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ *الامالی*، ص ۱۰۹؛ طبری، محمد بن ابی قاسم (م ۵۲۵ق)؛ *بشاره المصطفی لشبیعة المرتضی*، ص ۳۹۷؛ ابن حیون، نعمان بن محمد (م ۳۶۳ق)، *شرح الاخبار*، ج ۳، ص ۷۰؛ اربلی، علی بن عیسی (م ۹۲ق)؛ *کشف الغمّة*، ج ۲، ص ۱۲۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ *الکافی*، ج ۱، ص ۴۵۹؛ طبری، محمد بن جریر (۲۲۴-۳۱۰ق)، *دلائل الامامة*، ص ۱۳۸.

۳. *نهج البلاغه*، خطبه ۲۰۲، ترجمه شهیدی، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

خود انجام نداده است. هنگامی که فاطمه علیها السلام این سخن را شنید با حالتی خشمگین ابوبکر را ترک کرد و تا آخر عمر با او سخن نگفت.^۱

این روایت با تعابیر مختلف در کتاب صحیح بخاری تکرار شده است^۲ و البته باز هم اشاره می‌کنیم که جای نقد و بررسی این احادیث نیست، ولی ای کاش بخاری ادامه حدیث را نیز نقل می‌کند آنجا که حضرت زهرا علیها السلام با شنیدن این استدلال ابوبکر فرمود: «سبحان الله! رسول خدا هیچ‌گاه از کتاب خدا رویگردان نشده و با احکام و قوانین قرآن مخالفت نخواهد کرد؛ بلکه پیوسته پیرو آثار قرآن و تابع سور و آیات آن بود. آیا برآستی شما توطئه‌ای نموده‌اید که زور بگویید و به پدرم تهمت و بهتان بزنید؟ و این بهتان و توطئه پس از مرگ او نظیر همان نقشه‌هایی است که در زمان حیات برای او طرح می‌کردید! این کتاب خداست که عادلترین داوران است و با بیانی رسا میان حق و باطل جدا کرده و چنین می‌فرماید: *يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ*^۳ وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ^۴ خدای عزوجل با این آیات کیفیت تقسیم ارث را بیان داشته و امر فرایض و میراث را تشریح نموده و حق پسران را در مورد ارث آشکار کرده، به طوری که جای هیچ‌گونه تردید و گمان باطل و شبهه‌ای برای پیروان باطل و دیگران به جای نگذارده. حقیقت اینطور که شما می‌گویید، نیست بلکه نفس‌های سرکش و هوس‌آلود شمامست که کاری را برای شما جلوه داد و صبری نیکو باید و خدا را بر آنچه توصیف می‌کنید نیکو تکیه‌گاهی است.»^{۵ و ۶}

۷- نتیجه

حضرت فاطمه علیها السلام یگانه دختر پیامبر اسلام که قرآن منزلتی رفیع برایش قائل شده؛ در آیه تطهیر او را از هر پلیدی پاک دانسته و اخلاصش در سوره انسان در واژه «وجه‌الله» معنا شده و به خاطر صبرش شایسته نعمت‌های بهشتی و محبت وی اجر رسالت گردیده است و... و پیامبر که خود او را پرورده بود بهتر از هر کس او را می‌شناخت که فرمود: *فاطمه سیده نساء اهل الجنة*.

۱. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنَا هِشَامٌ أَخْبَرَنَا مَعْمَرٌ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنِ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ وَالْعَبَّاسَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَتَيَا أَبَا بَكْرٍ يَلْتَمِسَانِ مِيرَاثَهُمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُمَا حِينَئِذٍ يَطْلُبَانِ أَرْضِيَهُمَا مِنْ فُذَكٍ وَسَهْمَهُمَا مِنْ خَيْبَرَ فَقَالَ لَهُمَا أَبُو بَكْرٍ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَأُورِثَ مَا تَرَكَتْنَا صَدَقَةً إِنَّمَا يَأْكُلُ آلُ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذَا الْمَالِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَاللَّهِ نَأْ أَدْعُ أَمْرًا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصْنَعُهُ فِيهِ إِلَّا صَنَعْتُهُ قَالَ فَهَجَرْتُهُ فَاطِمَةُ فَلَمْ تَكَلِّمْهُ حَتَّى مَاتَتْ. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ *صحیح البخاری*؛ ج ۸، ص ۳.

۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۹۴-۲۵۶ق)؛ *صحیح البخاری*؛ ج ۴، ص ۴۲ و ۲۰۹؛ ج ۵، ص ۲۵ و ۸۲.

۳. مریم: ۶.

۴. نمل: ۱۶.

۵. طبرسی، احمد بن علی (قرن ۶)؛ *الاحتجاج*، ج ۱، ص ۱۴۴؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۶-۱۱۱۱ق)؛ *بحار الانوار*، ج ۲۹، ص ۳۰۲.

ترجمه برگرفته از کتاب *زندگانی حضرت فاطمه سلام الله علیها و دختران آن حضرت* تالیف سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۶. رک. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۶۸-۲۳۰ق)؛ *الطبقات الکبری* ج ۲، ص ۳۱۵؛ بیهقی، احمد بن حسین (۲۸۴-۴۵۸ق)؛ *السنن الکبری*؛ ج ۶، ص ۳۰۰؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ق)؛ *فتح الباری* ج ۱۲، ص ۶؛ ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۵۸۶-۶۵۵ق)؛ *شرح نهج البلاغه*؛ ج ۱، ص ۲۴۴؛ متقی، علی بن حسام الدین (۸۸۸-۹۷۵ق)؛ *کنز العمال*؛ ج ۵، ص ۶۲۵؛ و کتاب‌های *السقیفه و الفدک* تالیف جوهری، *فدک فی التاریخ* تالیف سید محمد باقر صدر و...

ویژگی‌های بارز حضرت زهرا علیها السلام به اندازه‌ای است که در منابع تفسیری، حدیثی، رجالی و تاریخی اهل سنت صدها روایت در فضایل و کمالات معنوی وی یافت می‌شود، یکی از این کتب، «الجامع الصحیح» معروف به صحیح بخاری یکی از صحاح سته اهل سنت تألیف محمد بن اسماعیل معروف به بخاری (۱۹۴-۲۵۶هـ) است. و در نزد آنان اعتبار زیادی دارد تا آنجا که گفته‌اند: این کتاب بعد از قرآن کریم صحیح‌ترین کتابهاست و لذا تمام روایات آن را صحیح می‌شمارند.

خلاصه نظر صحیح بخاری در باره یگانه دختر پیامبر اسلام به این صورت است که بخاری در برخی از موارد برخی از فضایل حضرت زهرا علیها السلام همچون سرور زنان و پاره تن پیامبر بودن و... را نقل کرده است، ولی در مواردی نیز حقیقت شخصیت حضرت تحریف گشته است. مثلاً در یک مورد که روایت را از علی بن الحسین از حسین بن علی علیهم السلام نقل می‌کند فاطمه علیها السلام بی‌اعتنا به نماز معرفی می‌شود و معتقد به جبر، در جای دیگر با علی علیه السلام درگیر می‌شود، پرده‌پوشی تا آنجا ادامه دارد که تسبیحات حضرت را در چندین مورد می‌شمارد ولی در هیچ یک اشاره به نام تسبیح نمی‌کند و در چندین روایت ماجرای فدک ذکر شده است ولی تمام ماجرا ذکر نشده و به شکلی که نقل شده با آیات قرآن مخالفت دارد؛ ولی بخاری درباره این مخالفت سخنی نگفته است.

منابع و ماخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه ترجمه سید جعفر شهیدی
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۵۸۶-۶۵۵ق)؛ شرح نهج البلاغه؛ تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم؛ ۲۰ج؛ [بی‌جا]؛ دار احیاء الکتب العربیة، عیسی البابی الحلبي و شرکائه؛ چاپ اول: ۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی (م ۹۰۱ق)؛ عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة؛ تحقیق: مجتبی عراقی؛ ۴ج؛ قم: مطبعة سید الشهداء؛ الطبعة الاولى؛ ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۳۱۱-۳۸۱ق)؛ الامالی؛ تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة، موسسه البعثة؛ قم: موسسه البعثة؛ چاپ اول: ۱۴۱۷ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م ۸۵۲ق)؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری؛ ۱۳ج؛ بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر؛ چاپ سوم؛ [بی‌تا].
- ابن حمزة حسینی، ابراهیم بن محمد (۱۰۵۴-۱۱۲۰ق)؛ البیان و التعریف فی اسباب ورود الحدیث الشریف؛ تحقیق: سیف الدین الکاتب؛ ۲ج؛ بیروت: دار الکتب العربی؛ ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۶۴-۲۴۱ق)؛ المسند؛ ۶ج؛ بیروت: دارصادر؛ [بی‌تا].
- ابن حیون، نعمان بن محمد (م ۳۶۳ق)؛ شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار؛ تحقیق: محمد الحسینی الجلالی؛ ۳ج؛ قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين؛ [بی‌تا].
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۶۸-۲۳۰ق)؛ الطبقات الکبری؛ ۸ج؛ بیروت: دارصادر؛ [بی‌تا].
- ابن شعبه، حسن بن علی (قرن ۴)؛ تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ قم: موسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين؛ الطبعة الثانية؛ ۱۳۶۳ش/۱۴۰۴ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۴۸۸-۵۸۸ق)؛ مناقب آل ابی طالب؛ تحقیق: لجنة من اساتذة النجف الاشرف؛ ۳ج؛ نجف: مطبعة الحیدریة؛ ۱۳۷۶ق/۱۹۵۶م.

- اربلي، علي بن عيسى (م ٩٢٢ق)؛ *كشف الغمّة في معرفة الأئمّة*؛ ٣ج؛ بيروت: دار الاضواء؛ چاپ دوم: ١٤٠٥ق/١٩٨٥م.
- اميني، عبدالحسين (١٢٨١-١٣٤٩ش)؛ *الغدِير*؛ بيروت: دارالكتاب العربي؛ چاپ چهارم: ١٣٩٧ق/١٩٩٧م.
- بخاري، محمد بن اسماعيل (١٩٤-٢٥٦ق)؛ *صحيح البخاري*؛ ٨ج؛ بيروت: دار الفكر؛ ١٤٠١ق.
- بيهقي، احمد بن حسين (٣٨٤-٤٥٨ق)؛ *السنن الكبرى*؛ بيروت: دارالكتاب العربي؛ چاپ اول: ١٤٢٢ق.
- ثعلبي، احمد بن ابراهيم (قرن ٥)، *الكشف و البيان عن تفسير القرآن*؛ ٧ج؛ بيروت: دار احياء التراث العربي؛ چاپ اول: ١٤٢٢ق.
- جوهری، احمد بن عبدالعزيز؛ *السقيفة و الفدك*؛ تحقيق: محمد هادي اميني؛ بيروت: شركة الكتبي للطباعة و النشر؛ چاپ دوم: ١٤١٣ق/١٩٩٣م.
- حاكم حسكاني، عبدالله بن احمد (قرن ٥)؛ *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في آيات النازلة في اهل البيت عليهم السلام*؛ تحقيق: محمد باقر محمودي؛ ٢ج؛ تهران: مجمع احياء الثقافة الاسلامية التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي؛ چاپ اول: ١٤١١ق/١٩٩٠م.
- حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله (٣٢١-٤٠٥ق)؛ *المستدرک*؛ تحقيق: يوسف مرعشلي؛ ٤ج؛ بيروت: دارالمعرفة؛ ١٤٠٦ق.
- حسيني ميلاني، علي؛ *رسالة في حديث خطبة علي بنت جهل*؛ قم: مركز الابحاث العقائدية.
- الحلو، محمدعلي؛ *ما نزل من القرآن في شأن فاطمة الزهراء*؛ تحقيق: كمال البطاط؛ [بي جا]؛ ١٤٢١ق/٢٠٠٠م.
- داوري دولت آبادي، صادق؛ *فاطمة زهرا در روايات عامه*؛ اصفهان: سلسله؛ ١٣٨١ش.
- ذهبي، محمد بن احمد (م ٧٤٨ق)؛ *سير اعلام النبلاء*؛ ٢٣ج؛ تحقيق: شعيب الارنؤوط، حسين اسد؛ بيروت: مؤسسة الرسالة؛ چاپ نهم: ١٤١٣ق/١٩٩٣م.
- رازي، فخرالدين (قرن ٦)؛ *مفاتيح الغيب (التفسير الكبير)*؛ ١١ج، بيروت: دار احياء التراث العربي؛ چاپ سوم: ١٤٢٠ق.
- رسولی محلاتی، هاشم؛ *زندگانی حضرت فاطمه سلام الله عليها و دختران آن حضرت*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي؛ چاپ ششم: ١٣٧٧ش.
- زمخشری، محمود (قرن ٦)؛ *الكشاف عن حقائق التنزيل*؛ ٤ج؛ بيروت: دارالكتاب العربي؛ چاپ سوم: ١٤٠٧ق.
- سجاد، محمد حسين؛ *احراق بيت الزهراء في مصادر اهل السنة*؛ قم: دارالصادقين؛ چاپ اول: ١٤٢٠ق/٢٠٠٠م.
- _____؛ *آتش به خانه وحی*؛ قم: دارالصادقين؛ چاپ دوم: ١٣٧٧ش.
- سليمانی، داود؛ *اسباب صدور حديث*؛ مقالات و بررسی ها، ش ٧٦، دفتر اول، پاییز و زمستان ٨٣، ص ٦٥-٧٩.
- سورآبادي، عتيق بن محمد (قرن ٥)؛ *تفسير سورآبادي*؛ ٥ج؛ تهران: فرهنگ نشر نو؛ چاپ اول: ١٣٨٠ش.
- سيوطي، جلال الدين (قرن ١٠)؛ *الدر المنثور في تفسير المأثور*؛ ٦ج؛ قم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي؛ ١٤٠٤ق.
- _____؛ *مسند فاطمة الزهرا رضي الله تعالى عنها*؛ بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية؛ چاپ اول: ١٤١٣ق/١٩٩٣م.
- شريف الرضي، محمد بن حسين (٣٥٩-٤٠٦)؛ *نهج البلاغة*؛ ترجمه: سيد جعفر شهيدی؛ تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي؛ چاپ پنجم: ١٣٧٣ش.
- صدر، محمد باقر؛ *فدک في التاريخ*؛ تحقيق: عبدالجبار شرارة؛ [بي جا]؛ مركز الغدير للدراسات الاسلامية؛ چاپ اول: ١٤١٥ق/١٩٩٤م.
- طبرسي، احمد بن علي (قرن ٦)؛ *الاحتجاج على اهل اللجاج*؛ تحقيق: محمد باقر الخراسان؛ ٢ج؛ نجف: دارالنعمان للطباعة و النشر، [بي تا].
- طبرسي، فضل بن حسن (٤٦٨-٥٤٨ق)؛ *مجمع البيان في تفسير القرآن*؛ ١٠ج؛ بيروت: دارالمعرفة؛ چاپ اول: ١٤٠٦.
- طبري، محمد بن ابي قاسم (م ٥٢٥ق)؛ *بشارة المصطفى لسبعة المرتضى*؛ تحقيق: جواد قيومي اصفهاني؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامي؛ چاپ اول: ١٤٢٠ق.
- طبري، محمد بن جرير (٢٢٤-٣١٠ق)؛ *دلائل الامامة*، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة؛ قم: مؤسسة البعثة، چاپ اول: ١٤١٣ق.

- طوسی، محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰ق)؛ *الامالی*؛ التحقيق: قسم الدراسات الاسلامیة، مؤسسة البعثة؛ قم: دار الثقافة؛ چاپ اول: ۱۴۱۴ق.
- علی فاضلی، حسین محمد؛ *ام ابیها فی صحاح المسلمین و مسانیدهم*؛ بیروت: دارالمرشد؛ ۱۴۲۲ق.
- غیب غلامی، حسن؛ *احراق بیت فاطمه فی الکتب المعتمده عند اهل السنه*؛ قم: الهادی؛ ۱۳۷۵ش/۱۴۱۷ق.
- _____؛ *البخاری و صحیحه*، قم: مرکز الابحاث العقائدیة؛ چاپ اول: ۱۴۲۰ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (م۵۰۸ق)؛ *روضه الواعظین*؛ تحقیق: محمد مهدی، حسن الخراسان؛ قم: منشورات الرضی؛ [بی تا].
- قرطبی، محمد بن احمد (م۶۷۱)؛ *الجامع لاحکام القرآن*؛ ۲۰ج؛ بیروت: مؤسسة التاريخ العربی؛ ۱۴۱۵ق/۱۹۸۵م.
- کسای، غلامرضا؛ *مناقب الزهرا علیها السلام المستخرجه من کتب الصحاح*؛ قم: مهر؛ ۱۳۹۸ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب (م۳۲۹ق)؛ *الکافی*؛ تحقیق: علی اکبر غفاری؛ ۸ج؛ [تهران]: دار الکتب الاسلامیة، آخوندی؛ چاپ سوم: ۱۳۸۸ق.
- متقی، علی بن حسام الدین (۸۸۸-۹۷۵ق)؛ *کنز العمال*؛ تحقیق: بکری حیانی، صفوة السقا؛ ۱۶ج؛ بیروت: مؤسسه الرسالة؛ ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۶-۱۱۱۱ق)؛ *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار*؛ ۱۱۰ج؛ بیروت: مؤسسه الوفاء؛ چاپ دوم: ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- مسعودی، عبد الهادی؛ *روش فهم حدیث*؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاهها (سمت) و دانشکده علوم حدیث؛ چاپ اول: ۱۳۸۴ش.
- مسعودی، محمد فاضل؛ *اسرار الفاطمیة*؛ قم: مؤسسه الزائر فی الروضه- لندن: رابطه الصداقه الاسلامیة؛ چاپ اول: ۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م.
- مسلم بن حجاج (۲۰۴-۲۶۱ق)؛ *صحیح مسلم*؛ بیروت: دار الفکر؛ ۸ج؛ [بی تا].
- معارف، مجید؛ *تاریخ عمومی حدیث*؛ تهران: کویر؛ چاپ دوم: ۱۳۸۱ش.
- معماری، داود؛ *جایگاه و مبانی نقد متن در علوم حدیث*، مطالعات اسلامی، ش ۳۹ و ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۷۵.
- مفید، محمد بن محمد (۳۳۶-۴۱۳ق)؛ *الامالی*؛ تحقیق: حسین استاد ولی، علی اکبر غفاری؛ قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة؛ [بی تا].
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، ۲۷ج؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، تاریخ چاپ متفاوت.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ *فضائل حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از دیدگاه دیگران*؛ مشهد: محبان الفاطمه سلام الله علیها؛ چاپ اول: ۱۳۶۶.
- میبیدی، ابوالفضل (قرن ۶)، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ۱۰ج؛ تهران: امیر کبیر؛ چاپ اول: ۱۳۶۳ش.
- نجمی، محمدصادق؛ *اضواء علی الصحیحین*؛ قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة؛ چاپ اول: ۱۴۱۹ق.
- هاشمی حسینی، مهدی؛ *فاطمه زهرا سلام الله علیها در کلام اهل سنت*؛ قم: حد؛ چرپ اول: ۱۳۷۶.
- یغمایی، ابوالفضل؛ *فاطمه در قرآن از دیدگاه اهل سنت*، قم: افق فردا؛ چاپ اول: ۱۳۸۰.